

توفان

ارگان مرکزی حزب کار ایران

دوره ششم - سال چهاردهم
شماره ۱۵۷ فروردین ۱۳۹۲ - آوریل ۲۰۱۳

تجربه کمونیستهای تونس در پاسخ به دسیسه های ارتجاع و امپریالیسم

در تاریخ ۱۶ ماه مارس ۲۰۱۳ رفیق حمادی در شهر اشدوتگارت آلمان گزارشی در مورد تحولات تونس داد که برای ما بسیار آموزنده بود. این نشست توسط سازمان برای ساختمان حزب کارگر کمونیستی آلمان (کار آینده) و هماهنگ کننده جبهه خلق تونس در آلمان برگزار شده بود. کمیته فلسطین در اشدوتگارت و حزب د. کا. پ. اشدوتگارت نیز از آن حمایت کرده بودند. در این گزارش رفیق جیلانی حمادی سخنگوی حزب کار تونس و عضو رهبری جبهه خلق در تونس ابراز داشت که در تونس انقلابی انجام شده که امپریالیستها را غافلگیر کرد و این تحولات نه بدست امپریالیستها، بلکه بدست مردم تونس انجام گرفته است. امپریالیستها نتوانستند سیاستی را که در لیبی و سوریه پیش گرفتند در مورد تونس اجراء کنند. شعار بن علی باید برود، از جانب حزب ما طرح شد و مورد قبول مردم قرار گرفت.

تونس در شرایط کنونی در یک بحران بزرگ بسر می برد. حزب اسلامی نهضت که نقش اساسی در انقلاب تونس نداشت، با حمایت و یاری امپریالیستها، کمکهای مالی آنها و ارسال مشاوران امپریالیستها برای حمایت از آنها، با تحریکات و تبلیغات دینی و وعده های دروغین، توانست در شرایط پراکندگی نیروهای "چپ" که با خود بیشتر مشغول بودند، اکثریت آراء را بدست آورد.

از همان زمان که بن علی نوکر امپریالیستها از تونس فرار کرد، هواداران وی با به حزب اسلامی نهضت پیوستند و یا در حزب مستقل خود بنام "صدای تونس" گرد آمدند که آنها در پارلمان تونس نیز شرکت کرده و با حزب نهضت همکاری می کنند. وزیر امور خارجه پیشین تونس که دستش به خون مردم تونس تا آرنج آغشته است، رسماً در مجلس تونس یار و یاور حزب نهضت است. این حزب از خارج تقویت مالی می شود. این حزب خطری برای مردم تونس است که با همکاری امپریالیستها و ممالک عربی خلیج فارس به سرکوب جنبش مردم در تونس پردازد. این حزب در این مدت نتوانسته به وعده های عوامفریبانه و دروغین خویش وفا کند، وضعیت اجتماعی رو به ... ادامه در صفحه ۲

باند های مافیایی برای دریدن متقابل آماده می شوند

ایل و طایفه احمدی نژاد راه افتاده اند و از جمهوری و ایرانیت سخن می رانند!!؟؟ از جمهوری سخن می رانند و به رای مردم تکیه می کنند تا یک دهن کجی جانانه به ولی فقیه کرده باشند که برای رای مردم ارزشی قایل نیست و آنرا در مقابل رای ولی فقیه که نماینده خدا بر روی زمین است و حرف خدا را می زند، قرار می دهند. آخوندهای ریاکار آنجا که به نمایش مردمی نیاز دارند و باید برای افکار عمومی و ممالک خارجی به تبلیغات پردازند، از مردم همیشه در صحنه سخن گفته و آنها را به خیابانها فرامی خوانند تا قدرت خویش را نیز به حریف نشان دهند، ولی آنجا که پای منافع مردم به میان می آید و باید به تخطئه خواست و رای آنها پرداخت، بیکباره رنگ عوض می کنند و حرف ولی فقیه را بالای هر حرف دیگر می دانند و اراده وی را در بالای اراده ملت قرار می دهند. روشن است که با اراده و حکم ولی فقیه خیابانها را نمی شود پر کرد و اوباما و نتانیاهو را ترسانند. احمدی نژاد جمهوریت را در مقابل ولایت فقیه، ارتجاعی ترین نوع حکومت استبدادی فردی، قرار می دهد که برای انسانها پیشیزی ارزش قایل نیست. احمدی نژاد بیکباره معنی جمهوریت را بعد از ۳۴ سال "فهمیده" است. احمدی نژاد ایرانیت را علم کرده است تا آنرا در مقابل اسلامیت فقها قرار دهد. وی می گوید کشور ایران، قبل از اسلام وجود داشته است و ما هویتمان بر اساس ملیتمان تعریف می شود و نه بر اساس دینمان. این سخنان البته برای کاسبکار شبادی نظیر باند مافیائی احمدی نژاد، برای فریب ... ادامه در صفحه ۲

امید نمی میرد

مرگ دشمن شاد کن انقلابی بولیواری

کدام انسان شرافتمند و منصفی نیست که از درگذشت انقلابی بزرگ هوگو چاوز رهبر جنبش بولیواری به غم اندوه گرفتار نیاید.

کدام انسان شرافتمندی نیست که خود را در اندوه مردم ونزوئلا، آمریکای لاتین و مردم جهان شریک نداند.

کدام انسانی شرافتمندی نیست که دغدغه خاطر به وی دست نداده باشد که وضعیت ونزوئلا بعد از چاوز با قدرت دسیسه چینی امپریالیستها به کجا منتهی می شود و انقلاب توده مردم از ترور، دغل و دسیسه، تحریک و تجاوز و ... جان سالم بدر می برد.

در مورد درگذشت انقلابی بزرگ آمریکای لاتین هوگو چاوز می توان از چهره انسانی وی به عنوان بذر امید انقلاب ملی در آمریکای لاتین سخنان فراوان نوشت.



می توان از آرمان بزرگ وی برای ایجاد جبهه بین المللی برای مبارزه با فقر و بی نوائی و رهایی بشریت از چنگ آنها سخن راند که تحت نام "سوسیالیسم بولیواری" صورت می گرفت.

می توان از نقش وی در ایجاد اتحادیه کشورهای آمریکای لاتین... ادامه در صفحه ۳

به حزب کار ایران (توفان)، حزب طبقه کارگر ایران پیوندید

باند های مافیایی برای ...

مردم است. وی و باند مافیایی وی که از همان روز نخست انقلاب و حتی قبل از آن، روابط خویشاوندی و سری خویش را سازمان داده بودند و اهرمهای قدرت را با زد و بند میان خود و عمال مخفی و علنی باندشان تقسیم می کردند، حال زمان را مساعد می دانند که برای گرفتن قدرت خیز بردارند و یا حداقل امنیت باند خویش را بعد از پایان خدمت تامین کنند. جناحها و باندهای حاکمیت خود را برای نبرد آخرین با یکدیگر آماده می کنند و تلاش دارند مردم را به عنوان قربانی به حمایت از خود و دارند. یکی احمدی نژاد را به عنوان مسبب بدبختی و مصائب کنونی معرفی کرده و می خواهد وی را مانند همه روسای جمهور پیشین قربانی کند و دیگری قصد دارد گناهان را به گردن ولی فقیه بیاندازد که حتی وزیرای احمدی نژاد را تعیین می کرد و مجلس دست نشانده را سازمان داده بود.

فراموش نکنیم باند مافیایی احمدی نژاد که فاجعه اقتصادی و سیاسی کنونی را در ایران ببار آورده است، نمی تواند تمام گناهان خویش را به گردن ولی فقیه بگذارد که حق عزل و نصب وزرا را مانند شاه از آن خود می دانست. احمدی نژاد و باندش نظیر ثمره هاشمی و صادق محصولی و مشای و... همه و همه در تمام جنایات رژیم جمهوری اسلامی سهیم بوده اند. احمدی نژاد قاتل دکتر سامی است و این امر فقط شایعه نیست، بطوریکه رفسنجانی در نزاع با وی آنرا در لفافه کلام بر زبان آورد و احمدی نژاد را به افشاء آن، تهدید کرد. احمدی نژاد همان کسی است که در زندان اوین به زندانیان تیر خلاص می زد و وقتی از نشست مجمع عمومی سازمان ملل در چند سال پیش به خدمت استادش مصباح بزدی مشهور به آیت الله تمساح رسیده بود، اعلام کرد که بدور کله اش حلقه ای از نور درخشیده است و خود را نماینده امام زمان جا زد. احمدی نژاد وعده کرده بود که اگر به قدرت برسد با داغ و درفش با تهاجم فرهنگی غرب به مقابله بخواهد خاست و حساب خانمهای بی حجاب و بد حجاب را توسط برادران و خواهران حزب اللهی کف دستشان خواهد گذارد و با افزایش گشتهای بازرسی و مزاحمت برای مردم چنین نیز کرد. امروز طایفه ها و باندهای مافیایی در قدرت که همگی به غارت مردم اشتغال داشته و جیبهای خود را پر کرده اند در هراسند که موقعیت خویش را از دست بدهند و امنیت خویش را نتوانند با پیروزی رقیب حفظ کنند. بسیج برای انتخابات از جانب جناحهای گوناگون مافیایی وضعیت متشنجی ایجاد کرده است. هرگاه شورای نگهبان صلاحیت اسفندیار رحیم مشایی را رد کند، معلوم نیست که پرونده های دزدی سایر نامزدهای بالقوه نظیر قالیباف و لاریجانی و... از جانب باند سری احمدی نژاد به عنوان نامزدهای فاقد صلاحیت و دزد و غارتگر و همدست امپریالیست انگلستان رو نشود. واکنش باند احمدی نژاد قابل محاسبه برای ولی فقیه که از خدا دستور می گیرد نیست. خدا هنوز به ولی فقیه اسرار پشت پرده باند احمدی نژاد را نرسانده است تا وی مسلح باشد. خدا هنوز نمی داند که از احمدی نژاد مسلمان دفاع کند و یا از ولی فقیه مسلمان.

ولی نزع هیات حاکمه هر طور باشد مردم

ایران باید با تحریم این انتخابات و خواست انتخابات آزاد و آزادی احزاب و اتحادیه ها و رفع سانسور و تبعیض به خیابان بیایند. باید آماده باشند که بر اساس توان و قدرتشان ضربه کاری به این رژیم وارد کرده و خیابانها را قرق کنند. باید هشیار باشند که عمال امپریالیستها و صهیونیستها که با شعار "نه غزه و نه لبنان جانم فدای ایران" برای اوباما جان فدا می کنند نتوانند نقش مخرب در مبارزه مردم ایران بازی کنند. باید مبارزه دموکراتیک مردم را با مبارزه ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی با مبارزه بر ضد تحریم و تجاوز پیوند زد.

تجربه کمونیستهای تونس ...

وخامت است، وابستگی تونس به امپریالیستها افزایش یافته و بدهکاری تونس به محافل مالی غارتگر جهانی بطور فزاینده و با شدت ادامه دارد. مردم به دروغهای آنها پی برده اند و بشدت از آنها رویگردان شده اند. همه پرسى آماری اخیر نشان می دهد که این حزب به انفراد کشیده شده و متکی به اکثریت مردم تونس نیست. تنها جبهه خلق که در میان مردم پایگاه بزرگی دارد بدیل سیاسی واقعی و قویترین نیروی سیاسی در تونس است. تنها ۴۰ گروه و سازمان به جبهه خلق پیوسته اند. ترور رفیق شکرى بلعید که با دست سلفیستها انجام شده، انطور که در ظاهر پیداست و تبلیع می شود، ماهیتا کار این گروه کوچک نیست، این سیاست بخشی از سیاست راهبردی امپریالیسم و ارتجاع در منطقه است تا فضائی از وحشت و هراس، ترلز و اغتشاش در تونس ایجاد کنند و با سوء قصد، بمب گذاری و ترور شخصیتهای انقلابی و مترقی به مبارزه با جبهه خلق برونند. آنها جبهه خلق مردم تونس را دشمن خود و مانع بزرگ سلطه خویش تلقی

و از اعتبار ویژه ای برخوردار است. وجود این جبهه خشم ارتجاع تونس را برافروخته است و آنها تلاش دارند این جبهه بزرگ را متلاشی کنند. سوء قصد و ترور شخصیتها در تونس را باید در متن چنین سیاستی ارزیابی کرد.

این سیاست از سال ۲۰۱۲ آغاز شده است و با مقاومت مردم و فشار کارگران، زنان، روشنفکران و دانشجویان و پیشه وران و همه احزاب دموکراتیک و مترقی در تونس با شکست سختی روبرو شده است.

تصور نکنید که این نخستین دسیسه امپریالیستها و ارتجاع جهانی علیه دستاوردهای انقلاب بوده است. آنها از همان بدو شکست در انقلاب نقشه تجزیه تونس را کشیدند. تلاش کردند میان "ساحلی ها" و "داخلی ها" اختلاف ایجاد کنند و مردم تونس را به جان هم بیاندازند. آنها در پی ایجاد جنگ داخلی با تجزیه تونس بودند. وقتی این دسیسه با هشیاری حزب و فعالیت جبهه خلق با شکست روبرو شد، با سلاحهای تبلیغاتی و مبارزه ایدئولوژیک و عوامفریبانه به میدان آمدند. آنها به تحریک نسل جوان پرداختند که بر ضد پیران مبارزه کنند و به سخنان مبارزان قدیمی با تجربه گوش فرا ندهند که گویا هر نسلی باید خودش سرنوشت خود را در دست بگیرد و پیرها نباید برای جوانها تعیین تکلیف کنند. وقتی این سیاست انقطاع تجربه دو نسل، با شکست روبرو شد و جوانان دسته دسته به جبهه خلق روی آوردند، تلاش کردند جنگهای خونی و خویشاوندی و طایفه ای و... میان مردم تونس راه بیاندازند، انوقت با تئوری مبارزه اتحادیه های کارگری که "نیازی به قیم" ندارند بر ضد حزب کار تونس بلند شدند تا کمونیستها و کارگران آگاه را از توده کارگر جدا نمایند. سپس با سیاست مسلمانان خوب و بد به میدان آمدند تا در میان خلق انشفاق ایجاد کنند. آنها جوانان را بر ضد رهبران حزب

تحریک می کردند تا شاید از این طریق موفق شوند به مقاصد خود برسند. آنان نقشه ها و تجارب ضد انقلابی برای سرکوب انقلاب است. آنها بهر وسیله ای متشبث می شوند تا در تونس جنگ داخلی بر راه بیندازند و شرایط دوران بن علی را با یاری حزب نهضت که تمام شرایط بانک

جهانی و صندوق بین المللی پول را پذیرفته است مجددا احیاء کنند.

جبهه خلق که نیروی مهمی در استقرار دموکراسی در تونس است، بسیاری از نیروها سیاسی را در بر می گیرد. وضع چنین نیست که ما بر سر همه چیز توافق داریم. در پاره ای موارد تاکتیکی نظریات یکسان نیستند و اختلاف نظر پدید... ادامه در صفحه ۳



می کنند.

جبهه خلق که با ابتکار حزب ما بوجود آمده است، توانست نیروهای انقلابی و ضد حزب حاکم نهضت، دموکرات و "چپ" را در میان خود جلب کند و به بزرگترین نیروی متشکل و مترقی درون تونس به عنوان جبهه مردمی بدل شود. این جبهه که بسیاری گرایشهای اجتماعی و حتی افراطی چپ را در بر می گیرد دارای پایه بزرگ توده ای و مورد احترام مردم بوده

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی، به دست مردم ایران

تجربه کمونیستهای تونس ...

می آید. ما مبارزه ای دموکراتیک درونی را با این آگاهی که باید این جبهه را حفظ کرد و از استقرار یک جمهوری دموکراتیک و جامعه ای مدنی حمایت کرد به پیش می بریم. ما خواهان بهبود شرایط زندگی توده های مردم و رفع بیکاری و کار برای جوانان هستیم. این خواسته های ما خواسته های مردم تونس است که حزب نهضت نتوانسته و نمی تواند آنها را متحقق کند. در همین امروز ۵۰ هزار نفر به دعوت این جبهه در تونس تظاهرات کرده اند و خواهان آن هستند که حکومت کنونی از کار برکنار شود. ما توانسته ایم تشکل بزرگ و پرنفوذی از سندیکاها، هنرمندان، خبرنگاران، نویسندگان، روشنفکران و نیروهای دموکراتیک را که خواهان احترام به دستاوردهای جامعه مدنی هستند متشکل کنیم. برای ماه آوریل آینده از طرف ما فراخوانی صادر شده که باید کنگره ضد خشونت در تونس برپا شود و همه نیروهای سیاسی وادار شوند در مقابل خشونت سلفیستها و امپریالیستها به اتخاذ موضع بپردازند. این فراخوان ما که خواست عمومی مردم برای مقابله با ترور و بمب گذاری و تهدید و ایجاد فضای ترلز و اغتشاش است، خواست عمومی مردم تونس بوده و ارتجاع دینی را در موقعیت سیاسی بدی قرار داده است. مجموعه خشونت طلبان و تروریستها نمی توانند و نمی خواهند از استقرار چنین فضایی که کار آنها را با بن بست روبرو می کند حمایت کنند.

مهم این است که ما با مردم پیوند داریم و با خواسته ای آنها آشناستیم و به درد دل آنها می رسیم و مشکلاتشان را می شناسیم و به این جهت در میان مردم اعتبار داریم و حرفمان خربدار دارد. مردم تونس بسیار جوانند و این امر بسیار به ما کمک می کند. ما از هم اکنون جنبشی ایجاد کرده ایم که مردم تونس مخالفت خویش را برای بازپرداخت وامهای غارتگرانه که به رژیم بن علی داده شده است اعلام دارند. بانک جهانی و صندوق بین المللی پول از دست ما فغانشان به هوست. این خواست عدالتخواهانه ما، دست حزب نهضت را بشدت باز خواهد کرد. ما از همه نیروهای انقلابی جهان دعوت می کنیم که از این خواست ما که کارزارش را در اروپا راه خواهیم انداخت، حمایت کنند.

حزب ما توانسته از طریق جبهه خلق تونس بر خیابانها مسلط شود و ارتجاع دینی را به خانه هایشان براند. آنها فکر نمی کردند جبهه خلق بتواند چنین نیروی را برای مقابله با آنها بسیج کند. این افراد سعی کردند بعد از فرار بن علی و روی کار آمدن اسلامیتها، با یاری امپریالیستها فورا یک سامان سرکوب موازی در کنار قوای سرکوبگر سنتی دوران بن علی ایجاد کنند، جبهه خلق توانسته این دسیسه ها را که تمامی ندارد با قدرت آگاهی بخشی و بسیج توده ها و آوردن مردم به خیابانها و سیاسی کردن کل جامعه خنثی سازد. ما راه طولانی در پیش داریم، ولی تونس لقمه ای است که در گلو امپریالیستها گیر کرده است. اگر تونس را از دست بدهند وضعیت شمال آفریقا متزلزل می شود این است که این مبارزه ادامه دارد و ما نیز خود را برای مقابله با این دسیسه ها آماده می کنیم. ما در این مبارزه به نیروی

حمایت شما نیاز داریم.

سخنرانی رفیق با ابراز احساسات شدید حضار به پایان رسید و بحث و تبادل نظر و تبادل تجربه آغاز شد. حدود بیست نفر از حضار از جوانان تونس مقیم اشتوتگارت بودند که برای حمایت از جبهه خلق در نشست شرکت کردند. آنها امیدهای فردای تونس اند و حضورشان گویای آن است که رفقای ما تا به چه حد با خردمندی و کیاست و دوراندیشی کار مبارزه را به پیش می برند و به خلق قهرمان تونس ایمان دارند و از آنها الهام می گیرند.

امید نمیرود ...

و کارائیب سخن گفت که به کوبا نزدیک تر است تا به ایالات متحده آمریکا و کانادا که خود را کشورهای برتر جهان می دانند. می توان از مبارزه چاوز با فقر در آمریکای لاتین و ارتقاء سطح زندگی نیازمندان و طبقه خرده بورژوازی در ونزوئلا و رفاه و آسایش مردم ونزوئلا سخن گفت، از تحصیل رایگان و بهداشت و خدمات درمانی رایگان سخن گفت که چاوز وعده آنها را به مردم داد و آنها را متحقق گردانید.

می توان گفت که در ۱۴ سال حکومت چاوز بی سواد به صفر رسید، ۳۵۰۰۰۰ خانه های اجتماعی برای مردم نیازمند با همکاری سازمانهای مردمی ساخته شد، شمار پزشکان برای ۱۰۰۰۰ از شهروندان از ۱۸ به ۵۸ پزشک افزایش یافت.

می توان گفت که وی حقوق بشر را در عمل اجراء کرد و میزان مرگ و میر نوزادان ونزوئلانی را از ۲۵ در هزار به ۱۳ نفر در هزار تقلیل داد و امکاناتی فراهم کرد تا ۹۶ درصد مردم ونزوئلا به آب آشامیدنی دسترسی بیابند.

می توان به آمار خود دشمنان چاوز اشاره کرد که در ارقامی بازناب می یابد که تحقیقات کمیسیون اقتصادی در سازمان ملل متحد برای آمریکای لاتین و کارائیب منتشر کرده است: "در آنجا از ۱۸ کشور آمریکای لاتین، ونزوئلا تنها کشوری است که کمترین میزان نابرابری اجتماعی را نشان می دهد".

می توان از نقش وی در پاسداری از حقوق مردم فلسطین و دفاع از مبارزه مردم فلسطین و مخالفت با صهیونیستهای اسرائیلی سخن راند.

می توان از نقش وی در قطع دست کمپانیهای نفتی سخن راند که مرتب در پی راه انداختن "کودتای ۲۸ مرداد" در ونزوئلا هستند و از بر آمد شجاعانه او علیه تحریمهای ضد بشری و تجاوز نظامی به ایران و از محکوم کردن نقض حقوق مسلم مردم ایران بدست امپریالیستها سخن گفت.

می توان از نقش جهانی چاوز در ایجاد جبهه وسیع مبارزه ضد امپریالیستی سخن راند، از سیاست وی در محکوم کردن تجاوز به لیبی و سوریه تقدیر کرد.

وی در سراسر جهان در کنار مظلومان بر ضد ظالمان ایستاد و برای قطع نفوذ امپریالیسم با ذهنیت طبقاتی خویش مبارزه نمود.

می توان از نقش بزرگ وی در ضربه زدن به امپریالیسم خونخوار آمریکا، از نقش وی در

بسیج مردم و انجام انتخابات آزاد در ونزوئلا، از نقش مهم وی در تغییر چهره سیاسی آمریکای لاتین و... سخن گفت، ولی نباید فقط به این گفتار قناعت کرد و پیرامون افشاء چهره کثیف دشمنان مردم آمریکای لاتین سکوت کرد.

هوگو چاوز مورد نفرت همه مستبدان در جهان، مورد نفرت امپریالیسم و صهیونیسم و بورژوازی بی وجدان و نژادپرست غرب و نوکرانش در شرق است. وی صراحت لهجه دارد و به تشریفات دیپلماتیک بورژواهای امپریالیست که بهم دیگر نان قرض می دهند، اهمیت نمی دهد و در قالب ساده ترین عبارات خواسته های قاطعانه مردم آمریکای جنوبی را که با آنها بزرگ شده و به پاس دو رگه بودنش گوش شنوا برای سخنان مردم دارد و از نژادپرستی بورژواها دل پرخونی دارد، به دفاع بر می خیزد. چاوز زبان مردم آمریکای لاتین است. آمریکای شمالی و کانادا و اروپا هر گز وی را بخاطر اینکه در مقابل دسیسه های آنها برای ایجاد مناطق آزاد تجاری بپا خواست و مردم آمریکای جنوبی و بخش مهمی از دولتهای آنها را در کنار خود دارد، نمی بخشند. چاوز به گناهان نابخشودنی بیشتری گرفتار آمده که "شان و احترام" بورژواهای نژادپرست را آلوده کرده است.

بارک اوباما با بی شرمی تمام، تحت نام تسلیت به مناسبت مرگ چاوز، مردم ونزوئلا را تهدید کرد که از راه چاوز برگردند و رقیب صهیونیست و مستبد چاوز را انتخاب کنند تا مورد لطف امپریالیست آمریکا قرار گیرند. در غیر این صورت امپریالیست آمریکا از دسیسه های خویش برای رفیت مجدد ونزوئلا دست برنخواهد داشت. وی گفت: "در این دوران بحرانی به دلیل مرگ رئیس جمهور هوگو چاوز، ایالات متحده پشتیبانی خود را از مردم ونزوئلا اعلام کرده و روی منافع خود برای گسترش مناسبات سازنده با دولت ونزوئلا تاکید دارد. با ونزوئلانی که برگ تازه ای را در تاریخ خود آغاز می کند، ایالات متحده برای ارتقاء اصول دموکراتیک، قانونیت و احترام به حقوق بشر به تداوم تعهداتش پایبند است."

نخست وزیر کانادا استقان هارپر از مرگ چاوز ابراز خشنودی کرد و بی شرمانه و بدون رعایت "تشریفات دیپلماتیک" مردم ونزوئلا را برای استفاده از این "فرصت مناسب" به شورش ترغیب نمود و اظهار داشت: "در این فرصت کلیدی، امیدوارم که مردم ونزوئلا از این پس بتواند آینده ای روشنتر را برای خودشان فراهم سازند که بر اساس اصول آزادی، دموکراسی، قانونیت و احترام به حقوق بشر تکیه داشته باشد".

ریاکاران و دروغگویان و دشمنان حقوق ملل و حقوق بشر، همه کسانی که خواهان جهانی مملو از بهره کشی و طغرفروشی و خیانت و نوکری اجانب هستند، حال قلم و زبان خود را در خدمت جعل تاریخ به کار گرفته اند. شما در هر جریده خودفروخته و بیگانه پرست ایرانی که نگاه می کنید، می بینید هم آواز با دشمنان بشریت از هوگو چاوز یک مستبد جنایتکار تصویر می کنند که آه و ناله مردم ونزوئلا از دست آنها به هوست. آنها نزدیکی دولت جمهوری اسلامی به ونزوئلا و شخص چاوز را بهانه ای می کنند... ادامه در صفحه ۴

تجاوزگران استعمارگر، باید خاک عراق و افغانستان را بی قید و شرط ترک کنند

امید نمرود ...

تا به حمایت بی چون چرا از میراث استعمار آمریکا بپاییزند و دول جنایتکاری نظیر ژنرال پینوشه، ژنرال ویدلا، همه خونتاهای نظامی و فاشیستی دست نشانده امپریالیست آمریکا در آمریکای لاتین را مورد حمایت قرار دهند. آمریکای لاتین حیاط خلوت امپریالیست آمریکا بود و هوگو چاوز از زمره آن قهرمانانی بود که محاسبه امپریالیسم آمریکا را برهم زد و جبهه بزرگی از نیروهای مترقی و ضد امپریالیست در آمریکای لاتین در مقابل زورگویی دشمنان بشریت بوجود آورد. هوگو چاوز تنها به ترقی و پیشرفت در ونزوئلا قناعت نکرد، بلکه تلاش کرد با یاری همه جانبه یک سیاست تهاجمی و ملی و انقلابی را، در سراسر آمریکای لاتین بر ضد امپریالیسم آمریکا سازمان دهد و به پیش ببرد. وی درک کرد با امپریالیسم نمی شود از موضع انتظار و منفعل مبارزه کرد، باید این مبارزه را توده ای کرد و چهره منفور این انمخواران را به همه شناساند. وی در این پیکار خویش تکیه را بر مردم و ارتقاء سطح آگاهی آنها گذارد و روز به روز به مواضع مترقی تر در روند مبارزه دست یافت. هوگو چاوز سیاست انقلابی خویش را محدود به ونزوئلا نکرد، از جنبش بولیواری سخن گفت و الهام گرفت که برای آزادی همه مردم آمریکای لاتین از دست استعمارگران کهن و نوین است. وی نماینده حرکت انقلابی در سراسر آمریکای لاتین بود. کینه حیوانی همه نیروها، محافل ارتجاعی و ضد دموکراتیک در جهان نسبت به هوگو چاوز از همین جا ناشی می شود که نمی توانند دستاوردهای وی را برسمیت بشناسند. چاوز برای نخستین بار در ونزوئلا بیش از ۱۶ بار انتخابات آزاد و همه پرسی به عمل آورد که در تاریخ این قاره که زیر سم ستوران امپریالیسم جنایتکار آمریکا خون می ریخت بی نظیر است.

جیمی کارتر رئیس جمهور سابق آمریکا و برنده جایزه نوبل که نماینده رسمی امپریالیست آمریکاست و از سال ۲۰۰۵ ناظر بر صحت انجام انتخابات در تمام جهان معرفی شده است، اظهاراتی کرده است که تودهنی محکمی به سلطنت طلبان ایرانی، دارودسته های انقلاب مخملی در ایران و همه ارتجاع جهانی و اروپائی از جمله اوپامای آمریکائی و هارپر کاندائی است که فقط جعلیات در مورد هوگو چاوز توزیع می کنند. ناگفته پیداست کسی نمی تواند آقای کارتر را به داشتن تعصب به آزادیخواهی و عدالت اجتماعی و جاسوسی برای چاوز متهم کند. این فرد در مورد انتخابات ونزوئلا می گوید:

"As a matter of fact, of the 92 elections that we've monitored, I would say that the election process in Venezuela is the best in the world"

"در واقع در میان ۹۲ انتخاباتی که ما بر آنها نظارت کردیم، به نظر من روند انتخابات در ونزوئلا بهتر از همه آنها در جهان بوده است". امپریالیستها تلاش فراوان کردند با پول و کودتا و ترور و تحریک و دروغ و تقویت اپوزیسیون ارتجاعی ونزوئلا، که طبقه حاکمه همدست آمریکا در آمریکای جنوبی بود، دولت هوگو چاوز را سرنگون کنند که با طغیان

مردم روبرو شده و شکست خوردند. آخرین مهره آنها جوانکی یهودی تبار است که به رهبری اپوزیسیون برگزیده اند که از یاران امپریالیست آمریکا در ونزوئلاست و می خواهد از وضعیت کنونی برای روی کار آمدن در ونزوئلا سوء استفاده کند.

سخن حتی بر سر این است که هوگو چاوز را احتمالاً امپریالیستها به قتل رسانده اند. این ادعا را نمی شود به عنوان امری تخیلی نادرست ارزیابی کرد.

چنین بی خیالی به مبارزه نیروهای مترقی ضربات کشنده ای وارد خواهد کرد. هرگز نباید به دشمن طبقاتی و امپریالیسم اعتماد کرد. آنها همواره مترصدند ضربه را به شما، از و در جایی وارد کنند که انتظار آنرا نمی کشید. ما با نمونه چنین اقداماتی از جانب امپریالیستها و متحدانشان در مورد خالد مشعل رهبر جنبش حماس و یاسر عرفات رهبر جنبش فلسطین و فیدل کاسترو رئیس جمهور کوبا و ... روبرو بوده ایم. این نمونه ها نشان می دهد که نیروهای انقلابی و ملی در این ممالک باید نسبت به همه دسیسه های امپریالیستی آگاه باشند و خود را برای مقابله با این توطئه ها مجهز کنند. بنظر حزب ما راه اساسی برای مقابله با این دسیسه ها بسیج توده ها و ارتقاء سطح آگاهی آنها نسبت به منافع طبقاتی، ملی و دشمنان بشریت است و در عین حال تقویت حزب به عنوان یک ستاد فرماندهی واحد و متمرکز و آگاه می باشد تا به موقع آمادگی واکنش نسبت به این رخدادها را داشته باشد. امپریالیستها برای نابودی مخالفان خود از تزریق سم و داروهای آلوده به رادیو آکتیو ابا نخواهند کرد. آنها هم بمب می گذارند و هم با پهلپادهای خویش مخالفانشان را ترور کرده و یا کاکهای روسای جمهوری که موافق نظرشان نباشد را از آسمان مورد حملات موشکی قرار می دهند. رهبرانی که در عرصه مبارزه به نمادهای مورد اعتماد توده ها، به سمبل و مظهر تجسم آرزوهای مردم بدل می شوند، باید از این دسیسه ها با خبر باشند و مورد پاسداری و حفاظت قرار گیرند. این خطر در سالهای اخیر بشدت افزایش یافته است.

مارکسیست لنینیستهای ونزوئلا از مرگ دولتمردی انقلابی پیگیر، مترقی، میهنپرست به عنوان بشردوستی بزرگ که ضایعه بزرگی برای مردم ونزوئلاست یاد می کنند.

مارکسیست لنینیستهای ونزوئلا طبقه کارگر را فرا می خوانند که به چالش نبرد انقلابی پاسخ دهند و در این لحظات خطیر تاریخی آماده باشند در مقابل ارتجاع داخلی یعنی بورژوازی نئولیبرال هوادار امپریالیسم و قدرتهای خارجی یعنی امپریالیستها به سرکردگی امپریالیست آمریکا، مقاومت کنند و با دشمنانی که لحظه ای نیز صبر نخواهند کرد، تا از وضعیت سخت زمان کنونی حداکثر سوء استفاده را بکنند با قهر انقلابی به نبرد برخیزند. آنها کمونیستها را از دام های امپریالیستها که بعد از درگذشت چاوز برای چنین لحظه ای حسابگرانه تدارک دیده شده است، برحذر می دارند.

آنها بطور مشخص به اقدامات تروریستی دشمنان طبقاتی، به ترور افراد انقلابی توسط عمال آنها، به ایجاد قحطی و احتکار، جعل اخبار، ایجاد رعب و ترس اشاره می کنند تا از این وضعیت با یاری امپریالیستها بهره

برداری کنند. به همین جهت نیز اخراج دو رایزن نظامی سفارت آمریکا در ونزوئلا را که در پی ایجاد اخلاص و تخریب بوده اند تبریک می گویند. نیکلا مادورو جانشین چاوز اعلام کرد که: "دو وابسته نظامی نیروی هوائی ایالات متحده، سرهنگ دیوید دلموناکو، و معاون او به دلیل ارتکاب به استخدام افسران نظامی ونزوئلا به هدف بی ثبات سازی کشور، اخراج خواهند شد".

رفقای ما در ونزوئلا بر این نظردند که مبارزه ضد امپریالیستی برای ساختمان سوسیالیسم باید مبتنی بر پذیرش مارکسیسم لنینیسم باشد، ولی از مبارزه ضد امپریالیستی و آرمناخواهی سوسیالیستی بولیواری چاوز حمایت کرده و بر ضد دسیسه های بورژوازی هوادار امپریالیسم که خیانت خویش را نسبت به میهن تا کنون چندین بار نشان داده اند برخوانند خاست.

چاوز در ونزوئلا به قطع نفوذ امپریالیسم آمریکا دست زد و تا حدود زیادی در این امر موفق بود. وی بورژوازی متوسط ملی و خرده بورژوازی ونزوئلا را به سمت خود جلب کرد و با بخش مرفه و بالای بورژوائی که بورژوازی هوادار نئولیبرالیسم برای مستمره کردن ونزوئلا بود به نبرد برخاست و آنها را تضعیف و مهار کرد. طبیعتاً استقرار سوسیالیسم و قطع دست و نفوذ کامل امپریالیسم بدون مبارزه با سرمایه داری، نفی مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و استقرار دیکتاتوری پرولتاریا و پذیرش رهبری حزب طبقه کارگر ممکن نیست، ولی مقاومت بخشی از بورژوازی و خرده بورژوازی در سراسر جهان بر ضد توسعه طلبی و نفوذ امپریالیستها که با هدف غارت و چپاول و تلاشی سرمایه داری داخلی به ممالک پا می گذارند، یک مبارزه مترقی و انقلابی است. ماهیت مبارزه ای را که در واقعیت پیش چشم ما در گرفته است با تئوری های از من در آوردی و ذهنی گرایانه که گویا هیچ سرمایه داری نمی تواند بر ضد امپریالیسم مبارزه کند، نمی توان پاسخ داد. اصول دیالکتیک به ما می آموزد که

جهانگرانی امپریالیسم برای بی رقیب در آوردن ممالک، برای دست انداختن به مواد

اولیه و بازار فروش با مقاومت مردم روبرو می شود و این مردم تنها پرولتاریای این کشورها نیستند. همه اقشار و طبقات اعم از استثمارگر و یا مورد استثمار که از ستم امپریالیسم به تنگ آمده اند و برای استقلال خویش که یک امر ملی و بورژوائی است مبارزه می کنند، در این جنبش استقلال طلبانه شرکت وسیع دارند و شرکت می کنند. تجربه ونزوئلا و بولیوی و ساندنیستها و ... نشان می دهد که مبارزه ملی در دستور کار مردم جهان و سازمانهای سیاسی آنها قرار دارد. مبارزه ملی و مبارزه استقلال طلبانه قطب مقابل توسعه جونی و دخالت گری امپریالیستی است و باید مورد حمایت کمونیستها قرار گیرد. چاوز و جنبشی که وی نمایندگی می کند، طبیعتاً جنبش کمونیستی نیست، طبیعتاً با گزینش نام "سوسیالیسم" برای اقدامات اصلاحی خویش به سردرگمی میدان می دهد، ولی جنبشی در خدمت کاهش نفوذ امپریالیستها، تحکیم حق حاکمیت ملی ونزوئلا و در خدمت حمایت از **حقوق مردم جهان است. هوگو چاوز از میان ما رفت، ولی میراث وی باقی ... ادامه در صفحه ۵**

کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی، بی قید و شرط آزاد باید گردند

امید نمرود ...

است و الهام بخش مردم آمریکای لاتین در درجه نخست، و مردم جهان خواهد بود. نمونه چاوز برای سازمانهای خودفروخته ایرانی نیز که مبارزه برای استقلال ملی را به شعارهای "چپ" و مواضع "انقلابی" نفی می کنند و همدست امپریالیست آمریکا هستند بسیار آموزنده خواهد بود. این تفاله های سیاسی اپوزیسیون ایران با اوج مبارزات مردم جهان هر روز بیشتر باید بدامان "چپروی" و حمایت از امپریالیسم برخیزند و به مدافع نظریات تروتسکیستی بدل شوند. دارو دسته های آشکار و پنهان پیرو نظریات منصور حکمت از این زمره اند.

آمانو عنتری...

گشای تجاوز مجاز به ایران نبود. بهمین جهت امپریالیست آمریکا به شدت با محمد البرادعی که به نظریات آنها تمکین نمی کرد، خشمگین بودند و تلاش می کردند وی را از مقامش سرنگون نمایند.

محمد البرادعی، مدیر کل پیشین آژانس بین المللی انرژی اتمی، در کتابی که بنام: "عصر نیرنگ: دیپلماسی هسته ای در دوران خیانت" (The Age of Deception: Nuclear Diplomacy in Treacherous) که در آوریل ۲۰۱۱ مطابق فروردین ۱۳۹۰ منتشر کرده است، روایتی از مذاکرات هسته ای صورت گرفته با کشورهای ایران، عراق و شمالی، عراق و لیبی را ارائه داده که پرونده هسته ای این کشورها و رویدادهای مرتبط با آنها را به شکلی تازه به تصویر می کشد. البرادعی در این کتاب تاکید می کند که گزارش های آژانس درباره عدم وجود تسلیحات هسته ای در عراق صحت داشته است و سیاستمداران آمریکایی را به دلیل اصرار بر وجود این تسلیحات و دستاویز قرار دادن آنها برای حمله به عراق مورد انتقاد قرار می دهد. وی در اثر دیگر خود به نام: "جهان عاری از تسلیحات هسته ای: خیال باطل یا محتمل"

(A World Free of Nuclear Weapons: Illusion or Possibility)

مورخ آبان ۱۳۸۸ مسایلی طرح کرد که آن نوشتار مشروح گفتگوهای مطرح در نشستی است که در شورای روابط خارجی آمریکا برگزار و در آن محمد البرادعی رئیس آژانس بین المللی انرژی اتمی به بررسی مسئله هسته ای ایران و مذاکرات این کشور با آژانس پرداخته است. در این سخنان البرادعی تاکید می کند که شواهدی بر تلاش ایران برای دسترسی به تسلیحات هسته ای وجود ندارد. به نظر البرادعی تلاش ایران در پیگیری برنامه هسته ای تلاش برای شناسایی این کشور به عنوان قدرت منطقه ای است. البرادعی در این سخنرانی همچنین درباره توافق ایران با گروه ۵+۱ در وین صحبت و ضمن ابراز رضایت از این توافق، مذاکره را تنها راه حل برنامه هسته ای ایران اعلام می نماید.

حال گماشته ای بر راس سازمان جهانی انرژی اتمی قرار گرفته که تقبلی به واقعیت ندارد و فقط بدنبال دستاویزی می گردد تا از منافع امپریالیست آمریکا به حمایت برخیزد. این

شخص حتی قبل از گزینشش به عنوان مدیرکل آژانس به او باما گوشزد کرد که همه سیاستهای خویش در مورد ایران را با صلاح و مشورت وی انجام خواهد داد. آقای آمانو که در جلسه شورای حکام آژانس سخن می گوید گفته است نمی توان گفت مذاکرات با ایران پیشرفت داشته و ایران باید "بدون تاخیر بیشتر" امکان بازرسی از مجموعه پارچین و سایر فعالیت هایش را که صلح آمیز بودن آنها محل تردید است به بازرسان آژانس بدهد."

اینکه این اوامر را ایشان بر اساس کدام ماده و بند حقوق مندرج در منشور این شورا و پیمان منع گسترش سلاحهای اتمی بیان می کند معلوم نیست. وی می گوید: "آژانس بین المللی انرژی اتمی تردیدهایی در این باره دارد که در تاسیسات نظامی پارچین، در جنوب شرقی تهران، آزمایش هایی بر مواد منفجره انجام می گیرد که با ساخت تسلیحات اتمی ارتباط دارد." ولی آقای آمانو نمی داند که چقدر نسبت به حرفهای ایشان که گماشته امپریالیست آمریکا هستند در میان میهنپرستان ایران تردید وجود دارد. مردم ایران نسبت به این فرمایشات آقای آمانو با شک و تردید می نگرند که میداد ایشان در پی پاپوشدوزی و سند سازی به نفع نتانیاهو و او باما باشند تا به ایران حمله کنند. آیا نفس تردید آقای او باما و یا نتانیاهو و یا آمانو کافی است تا حق حاکمیت یک کشور را خدشه دار ساخت؟

آقای آمانو گفته: "فراهم کردن دسترسی به پارچین قدمی مثبت برای نمایش اراده ایران به تعامل با آژانس برای رفع نگرانی ها است." این ادعای آقای آمانو هم تحریک آمیز است، زیرا این آژانس است که باید بر اساس مواد قانونی گناه و خطی ایران را ثابت کند و نه آنها ایران اسنادی ارائه دهد که دال بر بیگناهی باشد. حال فرض کنیم ایران اسنادی مبنی بر بی گناهی اش ارائه داد، اگر این اسناد مورد پذیرش آقای آمانو قرار نگیرد و یا پس فردا ایشان بدستور ارباب، با خواست دیگری به میدان آمد مبنی بر اینکه در پادگان جی و یا لویزان و یا ... بونی به مشام ایشان رسیده است که در آنجا گویا بمب اتمی می سازند، آیا باید تسلیم قوه بویائی آقای آمانو شد و به ساز ایشان رقصید؟ آیا برای رفع نگرانی ملت ایران بهتر آن نیست که آقای آمانو از پیروی از مرجع تقلیدی بنام او باما دست بردارد و به انجام وظایفی که بعهد اش گذارده اند بپردازد؟ اگر آن حکومت های جهان که ممالک مستقلی هستند و دست نشاندۀ آقای آمانو نیستند به ساز این جنایتکاران برقصند این رقص تمامی ندارد و این خواستها حتی دامنگیر رژیم انقلابی آینده ایران نیز خواهد شد.

ببینید این آقای یوکیا آمانو، مدیر کل آژانس در روز آغاز بکار شورای حکام گفت، که ایران فعالیت های غنی سازی اورانیوم تا حد ۲۰ درصد را سه برابر کرده است. ولی این آقای یوکیا آمانو نگفت که ایران برای تحقیقات و نه دموکرات.

پزشکی به میله های سوخت اورانیوم غنی شده ۲۰ در صدی نیاز دارد و آمریکا از دادن آن برای کار برد در نیروگاه آزمایشگاهی تحقیقاتی دانشگاه تهران که صرفا مصارف پزشکی دارد خودداری کرده است. ایران حاضر شد آنرا از ممالکی که آنرا تولید می کند بخرد، ولی این ممالک، بدستور و زورگویی آمریکا حاضر نشدند این میله های سوخت اورانیوم بیست درصدی را، که تنها مصارف پزشکی دارد به ایران بفروشند. ایران حاضر شد نه تنها بهای آن را بپردازد، بلکه آنرا با حجم معینی از اورانیوم تغلیظ شده ۳/۵ در صدی در ایران تعویض کند، ولی آمریکایی ها از این معامله نیز جلو گرفتند، تنها آنوقت بود که ایران تهدید کرد چنانچه حقوق قانونی ایران برسمیت شناخته نشود و مفاد قانونی قرارداد منع گسترش سلاحهای اتمی در مورد ایران اجرا نشود خود ایران راسا به غنی سازی اورانیوم ۲۰ در صدی دست خواهد زد تا مصارف پزشکی خویش را تامین کند. امپریالیستها فکر نمی کردند ایران قادر باشد اورانیوم غنی شده ۲۰ درصدی تهیه کند. حال که ایران به این هدف دست یافته است می خواهند جلوی آنرا بگیرند. آنها هر زمان که ایران خواست خود را متحقق می کند حاضرند عقب بنشینند.

آن ایرانی هایی که فکر می کنند، انعطاف در مقابل امپریالیستها و مدارا با آنها منافع ملی ما را تامین می کند یا نادان هستند و یا همدست امپریالیستها. در مقابل امپریالیستها برای تحقق حقوقی که در پیمان منع گسترش سلاحهای هسته ای آمده است باید ایستادگی کرد و از این حق مسلم مردم ایران دفاع کرد. این حق مربوط به جمهوری ارتجاعی و فاسد و مافیائی جمهوری اسلامی نیست این حق کشور و مردم ایران است که بعد از سرنگونی این رژیم نیز به بقا خود ادامه می دهند. هر گونه عقب نشینی، تعلیق غنی سازی اورانیوم و یا تصویب پروتکل الحاقی توسط مجلس ایران، تسلیم خائنانه به زورگونی امپریالیسم و نقض استقلال ایران است.

حزب کار ایران (توفان) بارها اعلام کرده است که از منافع ملی و حقوق قانونی ایران، مستقل از این که چه حکومتی بر سرکار باشد دفاع خواهد کرد، زیرا رژیمها رفتنی و ایران پاینده و ماندنی است. نقض حقوق یک کشور و یا ملتی را نمی توان به ماهیت و یا نوع رژیمی که در آن کشور بر سر کار است وابسته کرد. این سیاست، سیاست امپریالیستها و صهیونیستهاست که پاره ای ایرانیان خودفروخته از آن حمایت می کنند. آگاه باشیم که این "انقلابیون" کاذب نه میهن دوست هستند

از فیسبوک توفان انگلیسی دیدن کنید!

<https://www.facebook.com/pli.toufan?ref=ts&fref=ts>



INTERNATIONAL CONFERENCE OF MARXIST-LENINIST PARTIES AND ORGANIZATIONS

زنده باد همبستگی ملی خلقهای ایران، برقرار باد جمهوریهای شورائی سوسیالیستی در ایران

کلوخ انداز را...

چانکاپچک که حاکم جزیره فرمز بود و بنام خلق چین در آن شرکت داشت، صادر شد. آنها نیروهای "حافظ صلح" را به عنوان پوشش تجاوز امپریالیست آمریکا به کره به آنجا گسیل داشتند. این "نیروهای حافظ صلح سازمان ملل متحد" بعد از فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد هنوز برای "حفظ صلح" در سرزمین کره جنوبی حضور دارند و خاک این کشور را ترک نمی کنند. آنها کنگر خورده و لنگر انداخته اند.

تقسیم کره به شمال و جنوب ادامه همان سیاست تجاوزکارانه آمریکا بود که آنرا در ویتنام و هندوچین و در آلمان بکار بست تا از منطقه نفوذ خود حراست کند.

بعد از جنگ و هنوز قبل از فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ دو کره به عضویت سازمان ملل متحد پذیرفته شدند و این گام کوچک باید به صلح پایدار در منطقه شرق آسیا بدل می شد. ولی چنین نشد. زیرا منطق بر خواست امپریالیست آمریکا نبود. تحریکات آمریکا که باید منطقاً خاک کره را بعد از پیروزی در جنگ سرد ترک می کرد و به عنوان نیروی "حفظ صلح" سازمان ملل به ماموریت اش پایان می داد، هنوز بی برو برگرد ادامه دارد.

در اینجا موضعگیری روشنگرانه ستاد فرماندهی نیروهای نظامی کره شمالی مبنی بر این که کره شمالی پیمان آتش بس منعقد در ۲۷ ژوئیه ۱۹۵۳ را، در تاریخ ۱۱ ماه مارس ۲۰۱۳ بی اعتبار می داند، قابل ذکر است.

کره شمالی دلایل کناره گیری از این قرار داد را نقض یکجانبه آن قرار داد توسط مانورهای نظامی بی وقفه امپریالیست آمریکا و کره جنوبی در نزدیکی مرزهای کره شمالی می داند که امنیت کره شمالی را با ایجاد آمادگی مداوم در ارتش کره جنوبی برای تجاوز به کره شمالی تحت حمایت امپریالیست آمریکا و ژاپن به خطر می اندازد. در این مانورهای نظامی، پیگیرانه سیاست نظامی اشغال کره شمالی تمرین می شود و بشدت تحریک آمیز و جنگ افروزانه است. مانور آخری که به واکنش دولت کره شمالی منجر شده است تحت نام "فول ایگل" (Fool Eagle) از اول ماه مارس ۲۰۱۳ تا ۳۰ آوریل ۲۰۱۳ به مدت یک ماه در نزدیکی مرزهای دریائی و زمینی کره شمالی در جریان است. این مانور هر ساله تکرار می شود و در زمره بزرگترین مانورهای نظامی جهان است. این تحریکات در عین اینکه نظر به کره شمالی دارد، ولی در خفا مسئله تجاوز به روسیه و چین را نیز مد نظر قرار می دهد و این امری نیست که روسیه و چین با ساده لوحی به آن بنگرند.

کره شمالی مانور اخیر آمریکا را مانوری با کیفیت بشدت تجاوزکارانه ارزیابی می کند و در بیانیه مستند خود نشان می دهد که امپریالیست آمریکا دولت کره جنوبی را بی وقفه در وضعیت مانور جنگی نگاه می دارد که می تواند هر لحظه عملاً به "وضعیت جدی" تغییر کند. ببینید که چقدر مضحک است وقتی که سربازان آمریکائی که به عنوان سربازان "حافظ صلح" از طرف شورای امنیت سازمان ملل به کره رفته اند، برگزار کننده مانورهای نظامی بر ضد حاکمیت ملی و تمامیت ارضی یک کشور مستقل عضو سازمان ملل متحد باشند. از کی تا بحال

سربازان "حافظ صلح سازمان ملل" حق دارند، خودشان یک پای دعوا شده و لباس جنگی بپوشند و تدارک جنگ ببینند؟ اقدامات تحریک آمیز امپریالیست آمریکا خطر تجاوز و جنگ را تشدید می کند و عملاً به اعلان جنگی پنهان چه از نظر اقتصادی، تبلیغاتی و نظامی علیه حق حاکمیت و تمامیت ارضی کره شمالی دست زده است. کره شمالی بی وقفه خطر تجاوز و تحریک و تهدید را بر روی گوشت و پوست خود حس می کند. و این در حالی است که سالهاست که ضرورت تبدیل آتش بس میان دو کشور عضو سازمان ملل متحد به صلح به چشم می خورد.

دولت کره شمالی با امپریالیست آمریکا که برای تقسیم کره به منطقه نفوذ خود از انداختن بمبهای میکروبی و شیمیائی در جنگ کره دریغ نکرده است از سال ۱۹۵۳ در **وضعیت نه جنگ و نه صلح بسر** می برد. امپریالیست آمریکا برای توجیه حضورش در منطقه و نظارت بر شرق چین و روسیه و کنترل ژاپن به این استخوان لای زخم نیاز دارد. کارخانجات اسلحه سازی آمریکا باید کار کنند و ماشین جنگی نظامی وی باید فعال باشد و از منافع وی در سراسر جهان با زور سرنیزه دفاع کند.

کره شمالی می خواهد به این وضعیت خاتمه دهد و **قرارداد آتش بس را به قرار داد صلح دائم بدل کند** تا پای توجیهای سکونت دائمی امپریالیستها در منطقه از بین برود و در ادامه آن خواهان آن شود که امپریالیست آمریکا باید خاک کره جنوبی را به عنوان یک نیروی اشغالگر ترک کند.

بر اساس پیمان آتش بس در ۱۹۵۳ باید در عرض سه ماه یک کنفرانس جهانی صلح فرا خوانده می شد. وظیفه این کنفرانس صلح، تصویب توافقنامه ای برای خروج همه نیروهای خارجی از خاک کره بود. آمریکائی ها در ماه ژوئن ۱۹۵۴ این کنفرانس را به شکست کشاندند و از آن تاریخ حاضر نیستند به وضعیت جنگی خاتمه دهند. آتش بس تنها وقفه در روند یک جنگ است که می تواند دوباره از سر گرفته شود. به آتش بس هرگز نمی توان اعتماد کرد. نمی شود کشور را در حالت جنگی نگهداشت که به مصلحت مردم کره و مردم جهان نیست. نمی شود کشور را محاصره اقتصادی کرد و به مردم آن گرسنگی داد، حسابهای بانکی اش را مسدود کرد تا توانائی خرید کالا برای تامین نیازمندیهای کشورش نداشته باشد و از آنها خواست که قلدری امپریالیست آمریکا را ببیزند و به آن تمکین کنند.

در حالی که پارتیزانهای چینی داوطلب در کره حضور ندارند، ولی آمریکائی ها عملاً با ۲۸ هزار سرباز رسمی خود که نام سربازان "حافظ صلح سازمان ملل" را بر خود گذارده اند، خاک کره جنوبی را اشغال کرده و حاضر نیستند به تعهدات جهانی خود عمل کنند. آنها حاضر نیستند حتی به قرار داد آتش بس و شرایطی که بر آن مترتب است، تمکین نمایند. سیاست کنونی آمریکا، حفظ وضع موجود است، تا توجیهی برای حضور نظامی امپریالیست آمریکا در این منطقه باشد. آنها مرتب به تحریک و تخریب مشغولند تا صلحی در منطقه نتواند صورت بپذیرد و رسانه های تبلیغاتی امپریالیستی خلاف واقعیات و دروغ

را تبلیغ می کنند.

امپریالیست آمریکا با سیاست راهبردی اعلام شده توسط اوباما در استرالیا قصد دارد منطقه دریای آرام را در کنترل کامل خود داشته باشد و کره شمالی را نابود کند. آنها مدتهاست که به کره شمالی اعلان جنگ داده اند و با موبدگری و بتدریج سعی در تحقق این سیاست دارند. کره شمالی حق دارد که از حق تمامیت ارضی و حاکمیت ملی خود به دفاع برخیزد.

امپریالیست آمریکا مخالفت رسمی خود را با تحقق حقوق مسلم مردم کره در استفاده از انرژی هسته ای چه به صورت مسالمت آمیز و چه به صورت غیر مسالمت آمیز (توجه شود که کره شمالی کوچکترین تعهدی نسبت به پیمان منع گسترش سلاحهای هسته ای مانند هندوستان و پاکستان و اسرائیل ندارد- توفان) اعلام داشته است. دولت کره که برای بقاء خود، منبع انرژی دیگری ندارد، حاضر شده بود با شرط دریافت انرژی فسیلی از خارج، از غنی سازی اورانیوم و ساختن نیروگاههای اتمی منصرف شود. این برنامه بنام "توقف برنامه های هسته ای در برابر دریافت کمک اقتصادی و نفت از ایالات متحده آمریکا" برای مدتی تعلیق شد. ولی آمریکائیها حاضر نشدند به تعهدات خود عمل کنند و از تحویل نفت و کمکهای اقتصادی نه تنها سر باز زدند، بلکه با محاصره اقتصادی و تحریم نظام بانکی کره شمالی گام جدیدی در عرصه زورگویی برداشتند تا گرسنگی را در کره شمالی حاکم کنند. به علت این نقض تعهدات بود که کره شمالی جاسوسان آژانس جهانی انرژی هسته ای را از کره شمالی اخراج کرد، از پیمان منع گسترش سلاحهای هسته ای که گویا فقط باید در مورد ممالک ضعیف اجراء شود، خارج شد و نه تنها انرژی هسته ای را در خدمت استفاده مسالمت آمیز، بلکه برای استفاده قهرآمیز در مقابل تحریکات آمریکا نیز بکار گرفت.

در مهر ماه سال ۱۳۸۴ نشست در پکن برای حل این مشکل برگزار شده بود. در پی مذاکرات بین شش کشور که شامل آمریکا، چین، ژاپن، کره جنوبی، کره شمالی و روسیه بود بیانیه منتشر شد که در آن می آمد: "دولت کره شمالی موافقت کرده تمامی فعالیتهای هسته ای خود را در برابر دریافت نفت و برق از خارج متوقف کند. مجدداً به پیمان منع گسترش جنگ افزارهای هسته ای (ان پی تی) باز گردد و تلاش برای تولید بمب اتمی را کنار بگذارد.

علاوه بر دریافت نفت و برق از خارج دولت کره شمالی از آمریکا تضمین گرفته است که هدف عملیات نظامی ایالات متحده قرار نخواهد گرفت.

آمریکا و کره شمالی همچنین اعلام داشته اند که به حق حاکمیت و تمامیت ارضی یکدیگر احترام می گذارند. ("تکیه از توفان).

این کلامات زیبا فقط بر صفحه کاغذ باقی ماند. ایالات متحده آمریکا هرگز به تعهدات خویش عمل نکرد، زیرا طالب استقرار صلح در منطقه نیست. وی که به دولت کره شمالی تضمین داده است که وی را آماج حملات نظامی خویش قرار ندهد، به سند سازی در مورد غرق یک ناوگان کره جنوبی بدست کره شمالی دست زد و در مانورهای جنگی و تجاوزگرانه ضد کره ... ادامه در صفحه ۷

رویزیونیسم حاکم، دیکتاتوری بورژوائی است و نه دیکتاتوری پرولتاریا

شود. جهان ظالمانه ای را که بر زور و دروغ و ریا استوار است تنها می توان با زور عادلانه و انسانی کرد.

توفان درتوییتر
Toufanhezbkar
حزب کار ایران (توفان)
درفیس بوک

[Toufan HezbKar](http://ToufanHezbKar)

facebook



Name:
Toufan Hezbkar
Email:
toufan@toufan.org
Status:
None

امپریال یستی تکرار می کنند که دولت "جنگ طلب" کره شمالی قرار داد آتش بس با کره جنوبی و آمریکا را بدور انداخته است و به آزمایشات زیرزمینی هسته ای ادامه می دهد و موشکهای قاره پیما می سازد که صلح جهانی را به خطر می اندازند. ولی صلح جهانی توسط کره شمالی و ایران و سوریه و ونزوئلا به خطر نمی افتد. صلح جهانی توسط امپریالیستها و فعلا توسط امپریالیستها که در راسشان امپریالیست آمریکا نشسته است به خطر می افتد. خطر جنگ از بمبهای اتمی موهومی ایران نیست از بمبهای واقعی اسرائیل است. کره شمالی که حاضر است برای بقاء صلح و حفظ آن با آمریکا قرار داد صلح امضاء کند، صلح جهانی را با دو تا آزمایش اتمی زیر زمینی به خطر نمی اندازد، این امپریالیست آمریکاست که با آزمایشات اتمی رو زمینی و زیر زمینی، بمب نیترونی، صوتی، میکربی، شیمیایی و... صلح جهانی را به خطر می اندازد و موجب نابسانی و فقر و مذلت و بهره کشی و غارت مردم در جهان است. در این عرصه رسانه های تبلیغاتی امپریالیستی برای واژگونه جلوه دادن حقایق سخت کوشا هستند. شما اگر به جستجوگر گوگل مراجعه کنید متوجه می شوید که گویا فقط یک کشور در جهان وجود دارد که آزمایشات اتمی زیر زمینی می کند و این کشور نامش کره شمالی است. از آزمایشات زیر زمینی آمریکائی ها سخنی هم در میان نیست. عرصه شبکه مجازی به منبعی برای پخش اکاذیب و جعل خبر و گمراهی بدل می

کلخ انداز را...
شمالی شرکت وسیع و فعال کرد. این دورویی و ریاکاری نمی توانست از دید دولت کره شمالی پنهان بماند. ادعاهای بی پشتوانه نمی توانند ملاک تعیین سیاست باشند.
دولت آمریکا به آزمایشات هسته ای زیرزمینی کره شمالی ایراد می گیرد و آنرا خطری برای صلح جهانی جار می زند، در حالیکه خود آمریکا در تاریخ ۲۰۱۲/۱۲/۰۹ در صحرای نوادا به یک آزمایش هسته ای زیر زمینی که صدها بار پیشرفته تر از آزمایش هسته ای کره شمالی است، دست زده است و شورای امنیت سازمان ملل آمریکا را برای این اقدامش محکوم نکرده است. شورای امنیت، کره شمالی را برای آزمایش پرتاب ماهواره فضائی اش محکوم کرده است و آنرا خطری برای صلح جهانی اعلام می کند، ولی همین شورای امنیت که مسئول امنیت ولی زیر نفوذ و سلطه امریکاست، حاضر نشده است آزمایش موشکهای قاره پیمای اسرائیل در ۴ نوامبر ۲۰۱۱ را که دارای بُرد ۱۰ هزار کیلومتری است و قادر به حمل کلاهک هسته ای و غیر هسته ای است و آنرا بنام "یریشو" نامگذاری کرده اند، محکوم کند. کره شمالی خطرناک تر است یا کشور نژادپرست و اشغالگر و صهیونیستی اسرائیل که دارای ۳۰۰ بمب اتمی است و ۳ میلیون فلسطینی را آواره کرده و کشورشان را اشغال نموده است؟
تحریکات امپریالیستها و نوکرانشان علیه کشور کره شمالی، که کشوری مستقل و دارای حق حاکمیت ملی است ادامه دارد. رسانه های

(توفان الکترونیکی شماره ۸۱ منتشر شد آنرا در تارنمای توفان مطالعه نمائید)

در این شماره میخوانید:

نوروزبرهه مردم ایران مبارک باد! ص ۲-- بخاطر درگذشت رهبر ملی و دمکرات ونزوئلا، چه حکومتی در ونزوئلا بر سر کار است ص ۳-- اطلاعیه کمیته هماهنگی کنفرانس احزاب و سازمانهای مارکسیست لنینیست پیرامون درگذشت فرمانده چاوز ص ۴-- تعیین حداقل دستمزد ۴۸۷ هزار و ۱۲۵ تومانی در سال جدید، یعنی ادامه محکوم کردن کارگران به مرگ تدریجی ص ۵-- تشدید نزاع جناحهای رژیم در آستانه انتخابات قلابی ص ۶-- نتایج شوم ده سال اشغال عراق ص ۷-- دادخواهی برای مردم عراق، فراخوان شبکه بین المللی ضد اشغال بمناسبت دهمین سالگرد بمباران عراق ص ۹-- گشت و گذاری در فیسبوک ص ۱۰-- ده سال پس از اشغال عراق استقبال از تجاوز امپریالیستی و "تبدیل جنگ به جنگ داخلی"؟!-- بازهم در مورد تشدید نزاع بین گرگهای حاکم، دنیای مافیائی اسلامی ص ۱۲

توفان الکترونیکی

شماره ۸۱ فروردین ماه ۱۳۹۲ آوریل ۲۰۱۳

نشریه الکترونیکی حزب کار ایران

www.toufan.org

toufan@toufan.org

مردم چرا نشستین ایران شده فلسطین

کلوخ انداز را پاداش سنگ است

مسئله کره شمالی دوباره داغ شده است و سند سازی بر ضد دولت کره شمالی ادامه دارد. اوباما هر روز از انبان حمایت از حقوق بشرش کلوخ به سمت کره شمالی پرتاب می کند و جایزه صلح نوبلش را گردگیری می نماید.

در ۱۲ فوریه ۲۰۱۳ دولت مستقل کره شمالی که ارباب بالا سر نمی خواهد، بر اساس حقوق مسلمش، آزمایشات هسته ای زیرزمینی انجام داده است که قطعنامه غیرقانونی و زورگویانه ۲۰۹۴ شورای امنیت سازمان ملل آنرا محکوم می کند. شورای امنیت سازمان ملل در قطعنامه ۲۰۸۷ خود در ۲۲ ژانویه ۲۰۱۳ نیز پرتاب یک ماهواره به فضا توسط کره شمالی را در ۱۲ دسامبر ۲۰۱۲ انجام گرفته است، بطور زورگویانه و غیر قانونی، محکوم کرد. تو گوئی شورای امنیت سازمان ملل که به زیر سلطه زورگوئی امپریالیستها و در راستان امپریالیست آمریکا قرار دارد، کار دیگری جز محکوم کردن، لیبی، فلسطین، ایران، سوریه و کره شمالی و تحریم و تنبیه مردم این کشورها و ممانعت از تحقق حق مسلم آنها ندارند. این شورای امنیت که محل بده بستان قدرتهای بزرگ است به صهیونیستهای اسرائیلی مصونیت می دهد و به ممالکی که باب طبع آمریکا نیستند ناامنی. مفهوم نیست که چرا نام خود را شورای امنیت گذارده است.

خانم سوزان رایس در تائید این اقدامات تنبیهی اظهار داشت: "توانائی کره شمالی برای اینکه برنامه غیرقانونی اتمی و موشکی خویش تکمیل کند با مشکل روبرو می شود". جالب این جاست که خانم رایس با بی شرمی اقدامات غیر قانونی و آمرانه امپریالیست آمریکا را به پای کره شمالی می نویسد که حق دارد از تمام حقوقی برخوردار باشد که سایر ممالک نظیر آمریکا، کره جنوبی، ژاپن، چین و انگلستان و... برخوردارند.

ناگفته نماند که این قطعنامه سرهمبندی شده برای آمریکا و سیاست راهبردی وی در منطقه تنها جنبه تبلیغاتی دارد، گرچه که از نظر ادامه روابط این قطعنامه وظایفی برای چین و روسیه با کره شمالی ایجاد نمی کند، ولی گویای نقض حاکمیت ملی کره شمالی توسط چین و روسیه هم می باشد.

خوب است کمی به عقب برگردیم. برای سرکوب جنبش ملی و کمونیستی در کشور کره بعد از جنگ جهانی و اخراج ژاپنیهای همدست هیتلر و متجاوز و اشغالگر از خاک کره که کشور کره را مستعمره خود داشتند و ۳۵ سال در آن ساکن بودند، امپریالیست آمریکا به بهانه حمایت از مردم کره با اعمال زور در شورای امنیت سازمان ملل به کشور کره لشکر کشید تا مانع پیروزی کمونیستها شود که ارتش آنها به سئول رسیده بود. امپریالیست آمریکا موافق نبود که استقلال کره با اخراج امپریالیست ژاپن و نابودی نازیسم تحقق پذیرد. آنها که از آن سر دنیا به مرزهای چین و شوروی و کره آمده بودند به کمک ژنرال مک آرتور ۷۰۰ هزار نفر را در جنگ کره به قتل رسانده و در بخش اشغالی کره توسط آمریکا یک حکومت فاسد و مستبد و بدنام و دست نشانده را به اقتضای منافع خود بر سر کار آوردند. سینگمان ری مظهر یکی از رژیمهای خونخوار و فاسد و دست نشانده آمریکا در بعد از جنگ جهانی دوم در جهان بود.

برای این تجاوز امپریالیستها به کشور کره و ممانعت از استقلال آن، آنها به سند تبرئه آمیزی نیاز داشتند که جنایات آنها مجاز شمرده شود، آنرا شورای امنیت سازمان ملل که دولت شوروی در آن نشست شرکت نداشت و دولت تقلبی... ادامه در صفحه ۶

Workers of all countries, unite!

Toufan

توفان

Central Organ of the
Party of Labour of Iran

No. 157 Avr. 2013

آمانو، عنتری که لوطیش اوباماست

محمد البرادعی وقتی در آژانس جهانی انرژی اتمی فعالیت می کرد، نخست فریب ادعاهای سازمانهای جاسوسی آمریکائی ها، در مورد وجود سلاحهای کشتار جمعی در عراق را خورد. بعد از تجاوز به عراق و در خواست اینکه سازمانهای جاسوسی باید اصل سند را به آژانس ارائه دهند، معلوم شد اسناد آمریکائی ها همگی ساختگی و جعلی بوده است. از آن تاریخ آژانس بین المللی انرژی هسته ای تنها به اسنادی اتکاء می کرد که اصالت آنها غیر قابل تردید باشد. به همین جهت در دوران البرادعی آمریکائی ها نتوانستند با جعلیات خویش با سندهای ساختگی علیه ایران به خواستهای خویش برسند. حتی جعلیات سازمان آمریکائی مجاهدین خلق هم مشکل... ادامه در صفحه ۵

www.toufan.org

صفحه توفان در شبکه جهانی اینترنت.

toufan@toufan.org

نشانی پست الکترونیکی

سخنی با خوانندگان: نشریه ای که در دست دارید زبان مارکسیست لنینیستهای ایران است. "توفان" نشریه "حزب کارایران" حزب واحد طبقه کارگر ایران است. این زبان برای هرچه رساتر شدن به یاری همه کمونیستهای صدیق، چه از نظر مادی و چه معنوی نیاز دارد. نظریات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال دارید. ما را در جمع آوری اخبار، اسناد و اطلاعات از ایران و جهان یاری رسانید و از تشکیل نهضت کمونیستی حمایت کنید. به ما کمک مالی برسانید، زیرا ما تنها با اتکاء بر نیروی خود پابرجانیم و به این مساعدت ها، هر چند هم که جزیی باشند نیازمندیم. در توزیع این نشریه ما را یاری رسانید، هزینه گزاف پستی مانع از آن است که بتوانیم آن را بدست همگان برسانیم.

Toufan حساب بانکی
Postbank Hamburg
BLZ: 20110022
KontoNr.: 2573302600
Germany

شماره دورنگار (فاکس) آلمان 069-96580346

آدرس
Toufan
Postfach 103825
60108 Frankfurt
Germany